نظریه طولیت در رفع تضاد بین حکم ظاهری و واقعی در کلام شیخ انصاری و میرزای شیرازی

من خلاصه عرض میکنم؛ شیخ انصاری و شاگردشان میرزای بزرگ در تضاد احکام حرفی دارند که همین است. به اندازه‌ای که من میفهمم همین بحث طولیتی است که من عرض میکنم. خُب صاحب کفایه به ایشان اشکال کرده‌اند، دیگران آمده‌اند گفته که شما(صاحب کفایه) طولیت را به هم زده‌ای. البته مثل من طلبه نه؛ محضر صاحب کفایه بی ادبی نباشد. ولی در فضای علمی یعنی شما آن طولیتی که میرزای بزرگ و شیخ گفته‌اند را درست تصور نکرده‌ای که اشکال کرده‌ای. اگر ببینید شیخ و میرزا چه گفته‌اند، این حرف شما وارد نیست. در بحوث نگاه کنید، میگویند اشکال کفایه اصلاً به آنها وارد نیست. شما طولیت را از طولیت بیرون برده‌ای و دوباره به شیخ اشکال کرده‌ای.

برای حرف شیخ و شاگردشان میرزای بزرگ در رفع تضاد، دو تقریر آورده‌اند. در تقریر میرزا مطالب خوبی هست. به گمانم این حرف شیخ و میرزا سر میرسد. یعنی قبل از اینکه من این مطالب را ببینم، وقتی مباحثه میشد به‌همین‌نحو بود. این طولیت یک روش است، یک عینک است. اگر شما این عینک را گذاشتید، تضاد در حکم واقعی و ظاهری یک موردش میشود. ولو این مورد سنگین بوده و علماء در مورد آن بحث کرده‌اند، در همین موردی که سنگین بوده و علماء فکر کرده‌اند، شیخ اعظم و میرزای بزرگ حرف درست را زده‌اند. ما حرف این دو بزرگ را از اینجا بگیریم و تجریدش کنیم. به‌نحوی‌که بعد میبینید کل فقه را میگیرد. فقط مخصوص حکم ظاهری و واقعی نیست. چون یک عینک میشود.

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 13:56:33 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 13:56:54 توسط ... .